

زبان‌شناسی تربیتی به مثابه حوزه پژوهشی میان‌رشته‌ای

بهمن زندی^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۱۰

چکیده

گسترده‌ترین حیطه زبان حیطه‌ای است که زبان با زمینه‌های بیرون از خودش مرتبط می‌شود. به این اعتبار زبان بر برخی از عوامل محیطی تأثیر می‌گذارد و از بعضی از آنها تأثیر می‌پذیرد. یکی از مهم‌ترین این زمینه‌ها حوزه تعلیم و تربیت است. در این مقاله با به کارگیری روش تحقیق توصیفی - تحلیلی، ضمن معرفی رشته جدیدی که در دانشگاه‌های بزرگ جهان دایر است، به سودمندی راه‌اندازی آن در جهت توسعه مطالعات زبانی با توجه به مسائل زبان‌شناختی ایران به ویژه در حوزه تعلیم و تربیت پرداخته شده است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که زبان‌شناسی تربیتی به عنوان پلی میان دنیای زبانی و نظام تعلیم و تربیت می‌کوشد فعالیت‌های آموزشی را با توجه به مسایل زبانی، به نحوی مطلوب‌تر سامان دهد. مطالعات زبان‌شناسی تربیتی بر نقش زبان در یادگیری و آموزش متمرکز است. این شاخه علمی ضمن تأکید بر تلفیق زبان‌شناسی و آموزش، با استفاده از روش‌ها و نظریه‌های زبان‌شناختی، مسایل و مشکلات عملی نظام آموزش رسمی در زمینه یادگیری زبان و یادگیری از طریق زبان را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین می‌بایست در طراحی برنامه درسی زبان‌شناسی تربیتی در ایران به سه قلمرو «یادگیری زبان»، «یادگیری علوم از طریق زبان»، و «نقش فرهنگی و تربیتی زبان» توجه کرد. راه‌حل اصولی برای گسترش این حوزه مطالعاتی در ایران تأسیس دوره‌های تحصیلات تکمیلی مأموریت‌گراست که بتوانند زمینه لازم را برای حل مسائل مشترک زبان و تعلیم و تربیت فراهم آورند.

کلیدواژه: مطالعات میان‌رشته‌ای، زبان‌شناسی تربیتی، زبان‌شناسی، علوم تربیتی، یادگیری.

مقدمه

برای پاسخگویی به الزامات جدید و نیازهای بشری چند نکته اهمیت ویژه دارد که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: اجرای پژوهش‌های مسئله‌محور، ترکیب فعالیت‌های پژوهشی، تحلیل ترکیبی داده‌ها و اطلاعات موجود در تخصص‌های مختلف و ارائه الگوها و علوم جدید (آراسته، ۱۳۸۸: ۲۶). مجموع این موارد را می‌توان با تدوین برنامه‌های درسی و مطالعات میان‌رشته‌ای به منصفه ظهور رساند.

در دو دهه اخیر تقسیم‌بندی دانش بشری به رشته‌های تخصصی محض به طور جدی به چالش کشیده شده است و این چالش در دانشگاه‌های معتبر دنیا به وضوح دیده می‌شود. ادعای اصلی این است که محصور ماندن تحقیقات در مرزهای غیرمنعطف رشته‌ای نه تنها مانعی جدی بر سر راه نوآوری و خلاقیت است، بلکه نمی‌تواند پاسخگوی مسائل و مشکلات بسیار پیچیده امروزی باشد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸: ۴۲). تحقیقات بنیادی در رشته‌های تخصصی باعث می‌شود که فرد متخصص دانش عمیقی در رشته خود کسب کند و این لازمه رشد هر رشته علمی است و هدف اساسی دانشگاه را برای توسعه علوم فراهم می‌کند. اما زمانی که پای مسائل کمی پیچیده‌تر و چندبعدی به میان می‌آید، کار برای متخصصان رشته‌ای سخت می‌شود و حل مشکل به متخصصان میان‌رشته‌ای سپرده می‌شود. از این رو منطقی است تا علاوه بر توجه به رشته‌های مادر مانند روانشناسی، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، شیمی، و دیگر رشته‌های پایه، که مطالعات نظری آنها برای کشف حقایق علمی لازم است، به توسعه علوم میان‌رشته‌ای مانند روانشناسی اجتماعی، مدیریت شهری، بیوشیمی، و زبان‌شناسی تربیتی^۱ نیز اهتمام ورزید، تا رسالت‌های چندگانه آموزش عالی اعم از توسعه تحقیقات نظری، کاربردی و توسعه‌ای جامه عمل بپوشد.

منوچهری و علوی‌پور (۱۳۹۲: ۲) نیز در اشاره به اهمیت روزافزون گسترش شاخه‌های علمی بین‌رشته‌ای معتقدند: گذر از مرزهای رشته‌ای کلاسیک، از جمله رویه‌هایی است که در دهه‌های اخیر درهای تازه‌ای به روی پژوهشگران گشوده است. بر این اساس بسیاری از محققان، که تا پیش از این با وجود غور در پدیده مورد بررسی از ارائه تبیینی جامع در خصوص آن ناتوان بودند، اکنون به مدد رویکرد میان‌رشته‌ای و افزایش تمایل به همکاری با رشته‌های دیگر علمی، به درکی عمیق‌تر و قابل اتکاتر از همان پدیده می‌رسند.





نکات یادشده درباره همه علوم از جمله علم زبان‌شناسی صدق می‌کند. به گفته لاینز^۱ (۱۹۸۱: ۳۶) زبان‌شناسی به عنوان یک رشته تخصصی و مادر، «دانش عمومی انسان درباره زبان آدمی» را از جنبه‌های گوناگون مورد بررسی قرار می‌دهد. بخشی از این گوناگونی را می‌توانیم در محدودترین و در مقابل، گسترده‌ترین حیطه‌های «زبان انسان» پیگیری کنیم. محدودترین حیطه موضوع زبان، حیطه‌ای است که مشخص‌کننده سازمان و روابط درونی زبان است. به شاخه‌ای از زبان‌شناسی که زبان را از این منظر مطالعه می‌کند، زبان‌شناسی خرد^۲ یا زبان‌شناسی نظری گفته می‌شود. اما گسترده‌ترین حیطه موضوع زبان، حیطه‌ای است که زبان با زمینه‌های بیرون از خودش مرتبط می‌شود. به این اعتبار، زبان بر برخی از عوامل محیطی تأثیر می‌گذارد و از بعضی از آنها تأثیر می‌پذیرد. به شاخه‌ای از زبان‌شناسی که زبان را از منظر ارتباط متقابل با عوامل و نهادهای بیرونی مطالعه می‌کند، زبان‌شناسی کلان^۳ گفته می‌شود.

زبان‌شناسی خرد بررسی نظام درونی زبان است. بنابراین شاخه‌هایی از زبان‌شناسی مانند آواشناسی، واج‌شناسی، و صرف و نحو، که به بررسی سازمان درونی زبان می‌پردازند، در محدوده زبان‌شناسی خرد قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، زبان‌شناسی کلان بررسی همه آن چیزهایی است که در خارج از زبان به نحوی با نظام زبانی مرتبط می‌شود. بنابراین «از آنجا که سوای زبان‌شناسی، بسیاری از شاخه‌های علوم نیز به موضوع زبان مربوط می‌شوند، تعجبی ندارد که بعضی از زمینه‌های بین‌رشته‌ای در حیطه زبان‌شناسی کلان قرار گیرند و با نام‌های جامعه‌شناسی زبان، روانشناسی زبان، مردم‌شناسی زبان، سبک‌شناسی زبان و غیره شناخته شوند» (همان). بنابراین زبان‌شناسی کلان شامل مجموعه‌ای از علوم بین‌رشته‌ای است که از رهگذر مشارکت زبان‌شناسی و یکی از شاخه‌های علوم در زمینه شناخت عمیق‌تر زبان حاصل شده است.

زبان‌شناسی تربیتی از جمله زمینه‌های علمی بین‌رشته‌ای جدید است که در سال‌های اخیر به دیگر شاخه‌های زبان‌شناسی کلان پیوسته است و هر روز بیش از پیش رشد و گسترش می‌یابد. زبان‌شناسی تربیتی با توجه به مسایل و مشکلات عملی آموزش و پرورش، با مسائل واقعی زندگی اجتماعی انسان درگیر می‌شود و سرانجام می‌کوشد با ارائه توصیفی دقیق‌تر از این مسائل، راه را برای حل آنها هموار کند. زبان‌شناسی تربیتی ماحصل پیوند زبان‌شناسی و علوم تربیتی است و در آن، به طور خاص با استفاده از روش‌ها و نظریه‌های زبان‌شناختی، مسایل و مشکلات عملی نظام آموزش رسمی در زمینه یادگیری زبان و یادگیری از طریق زبان مورد توجه قرار می‌گیرد.

1. J. Lyons
2. Microlinguistics
3. Macrolinguistics



در این مقاله تلاش خواهد شد تا نظرات مختلف درباره این حوزه و همچنین وضعیت کنونی آن در کشورهای توسعه یافته، روند تحول این حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای دانشگاهی، و در نهایت ابعاد مطالعاتی و قلمروهای پژوهشی آن مورد بررسی قرار گیرد. در واقع حاصل نگارش این مقاله پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. دیدگاه‌های مختلف دانشمندان درباره این حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای چیست؟
 ۲. زبان‌شناسی تربیتی به عنوان حوزه پژوهشی دانشگاهی چه روندی را طی کرده است؟
 ۳. در برنامه‌های درسی شاخه‌های مختلف علوم تربیتی، علوم اجتماعی و روانشناسی در ایران چگونه به مطالعات زبانی توجه شده است؟
 ۴. قلمروهای مطالعاتی این شاخه میان‌رشته‌ای کدامند؟
- با توجه به موضوع پژوهش، تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی است. ابزار گردآوری اطلاعات چک‌لیست‌های مطالعه اسنادی و تحلیل محتوای کیفی بوده است.

زبان‌شناسی تربیتی از دیدگاه‌های مختلف

فریمن^۱ (۱۹۹۴: ۱۶) زبان‌شناسی تربیتی را به مثابه یک رشته میانجی^۲ در نظر می‌گیرد که هدف آن ایجاد ارتباط بین آموزش زبان و تربیت اجتماعی است. به گفته برنز^۳ (۲۰۱۰) زبان‌شناسی تربیتی در عصر فعالیت‌های روشنفکرانه و انتقادی سر برآورده است، عصری که در آن به مدد فیشرمن^۴ (۱۹۶۸-۱۹۷۲) جامعه‌شناسی زبان و به کوشش هایمز^۵ (۱۹۷۲) قوم‌نگاری ارتباط زبانی متولد شدند. جای شگفتی نیست در عصری که مرزهای دانش رشته‌ای^۶ به سود مطالعات کل‌گرا^۷ و جامع‌درنوردیده شده است، یک حوزه مطالعاتی مسئله‌محور با نام زبان‌شناسی تربیتی نیز پا به عرصه وجود بگذارد. زبان‌شناسی تربیتی در مرز تلاقی پژوهش‌های آموزشی و زبان‌شناسی کاربردی قرار دارد (لوبیانکو^۸، ۲۰۰۸: ۱۲۲). در حالی که زبان‌شناسی کاربردی شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که با استفاده از نظریه‌های زبان‌شناسی به توصیف مسائل دنیای

1. Freeman
2. Mediating discipline
3. Berns
4. Fishman
5. Hymes
6. Disciplinary
7. Holistics
8. Lo Bianco



واقعی می‌پردازد، زبان‌شناسی تربیتی شاخه‌ای از زبان‌شناسی کاربردی است که به مسائل دنیای واقعی در حوزه آموزش توجه دارد. گرچه تا کنون بزرگ‌ترین عرصه زبان‌شناسی کاربردی، مطالعه یادگیری و آموزش زبان دوم بوده است، لیکن گستره زبان‌شناسی تربیتی بسیار وسیع‌تر از آن است که فقط آموزش زبان دوم را شامل شود (اوچلی و اسنول، ۲۰۰۸: ۶۴۰). در واقع، چنان که ون لیر^۲ (۲۰۰۸: ۵۹۶) اشاره کرده است، پژوهش‌های زبان‌شناسی تربیتی باید علاوه بر نقش‌های آموزشی، نقش تربیتی زبان را نیز شامل شود. از دید متخصصان تعلیم و تربیت، زبان یک پدیده اجتماعی است که از طریق آن روابط بین افراد شکل می‌گیرد. باختین^۳ و بوردیو^۴ از جمله افرادی بودند که نظریات آنان در رواج این اندیشه مؤثر بوده است. نظریه‌های پساساختارگرایانه میخائیل باختین (۱۹۸۱-۱۹۸۴) و پیر بوردیو (۱۹۷۹-۱۹۸۲) در مورد زبان مشاجراتی بر سر معنا و ساخت معنا برانگیخته است. نظرات ایشان در این زمینه، برخلاف دیدگاه ساختارگرایانه سوسور است که نشانه‌های زبانی را دارای معنای آرمانی و جوامع زبانی را نسبتاً همگن به حساب می‌آورد.

باختین، فیلسوف روس، معتقد است که زبان باید به عنوان پاره‌گفتارهای ثابتی مورد بررسی قرار گیرد که گویشوران در صحبت و بحث با یکدیگر خلق معانی می‌کنند. از این منظر، مفهوم گویشور واحد، یک وهم است، زیرا همه گویشوران پاره‌گفتارهای خود را به صورت لاینقطع و در تعامل با شنوندگان، هم از لحاظ تاریخی و هم معاصر و هم در جوامع واقعی و فرضی، می‌سازند. از این دیدگاه تناسب کلمات دیگران یک فرایند پیچیده و پرتنش است که در آن کلمات خنثی نیستند بلکه بیان‌کننده تمایلات خاص و نظام‌های ارزشی هستند. او معتقد است که ارزش نسبت داده شده به کلام، جدای از شخص متکلم، قابل فهم نیست و ارزش منسوب به متکلم نیز جدای از شبکه روابط اجتماعی قابل درک نیست (۱۹۹۷: ۶۴۸).

از سوی دیگر بوردیو کلام را سرمایه‌ای نمادین به حساب می‌آورد که بسته به بازاری که در آن عرضه می‌شود می‌تواند ارزش‌های متفاوتی داشته باشد (۱۹۹۷: ۶۵۱). به زبان ساده از دیدگاه وی ارزش زبان به اندازه ارزش گویشوران آن است (همان) و کاربرد غالب، کاربرد طبقه غالب است (همان: ۶۵۹). تعریف بوردیو از روابط قدرت در کاربرد زبان تأثیر مهمی بر

1. Ochli & snow
2. Van Lier
3. Bakhtin
4. Bourdieu



چگونگی ارزش‌گذاری گویشوران زبان از سوی دیگران گذاشت. این تأثیر به ویژه از جهت فرصت‌هایی که آنها برای تکلم به دست می‌آورند و گونه‌های زبانی که ما آموزش می‌دهیم و آنها به کار می‌برند، حائز اهمیت است. در پرتو چنین نظریه‌ای تبدیل شدن به یک زبان‌آموز خوب فرایندی است بسیار پیچیده‌تر از آنچه که تحقیقات قبلی برآورد کرده بودند (نورتون و توهی، ۲۰۰۴).^۱ از منظری دیگر کریس ویدن^۲ (۱۹۹۷) مانند باخترین و بوردیو به استدلال در مورد این مسئله می‌پردازد که زبان نه تنها فعالیت‌های اجتماعی را تعریف می‌کند، بلکه نقش مهمی در ایجاد احساس ما از خود و «ذهنیت» ما دارد (ویدن ۱۹۹۷: ۲۱).

با این اوصاف می‌توان گفت از وظایف اصلی زبان‌شناسی تربیتی بررسی شیوه‌های آگاه‌سازی زبان‌آموزان، اعم از نوجوانان، جوانان و بزرگسالان، درباره آثار اجتماعی و فردی کاربرد زبان است. چرا که زبان علاوه بر نقش اطلاع‌رسانی خود، می‌تواند در رشد فکری و برنامه‌ریزی فعالیت‌های روزمره، اعم از خودشناسی، خودمدیریتی و خودارزیابی، و ارتقای نقش اجتماعی سخنگویان خود سهم بسزایی ایفا کند.

بدیهی است پژوهش‌های یادشده نه می‌تواند صرفاً از سوی یک زبان‌شناس، که صرفاً به مطالعات نظری مشغول است انجام گیرد، و نه صرفاً از سوی متخصصان علوم تربیتی و روانشناسی و جامعه‌شناسی که به مطالعات نظری در رشته‌های خود می‌پردازند. این نکته مؤید نظر رپکو^۳ (۲۰۰۵) به نقل از آراسته (۱۳۸۸: ۲۸) است که عقیده دارد شاخه‌های بین‌رشته‌ای، فرایندی برای پاسخ به یک سؤال، حل یک مسئله، یا پرداختن به موضوعی است که به دلیل پیچیدگی یا گستردگی آن، نمی‌توان با یک رشته تخصصی، به طور دقیق به مطالعه آن همت گماشت.

بنابراین نیاز به یک شاخه مطالعاتی میان‌رشته‌ای داریم که موارد چندبعدی همچون پدیده دوزبانگی، توسعه گونه علمی زبان فارسی، یادگیری و تدریس مهارت‌های زبانی، نقش‌های تربیتی و فرهنگی زبان و مسائل دیگری از این دست را با دیدگاه جامع‌نگر توصیف و تحلیل کند و برای مسائل آموزشی موجود در مدرسه و دانشگاه در زمینه‌های فوق راه‌حل‌های واقع‌بینانه و دور از یکسونگری‌های رشته‌های تخصصی ارائه دهد. همان‌طور که حاجی یوسفی (۱۳۸۸: ۴۲) معتقد است میان‌رشته‌ای می‌تواند با گشودن چشم‌اندازهای جدید به روی پژوهشگران آنان را از تعصبات انعطاف‌ناپذیر و نگرش تک‌بعدی به قضایا برحذر دارد و به تأمل و تدبیر بیشتر و جامع‌تر در مطالعات علمی رهنمون سازد.

1. Norton & Toohey
2. Weedon
3. Repko

در جمع‌بندی نکات فوق می‌توان گفت نظام آموزشی و تربیتی مدارس و دانشگاه‌ها در سه زمینه زیر با مسئله زبان روبرو هستند:

۱. یادگیری زبان و آموزش مهارت‌های زبانی.
۲. یادگیری علوم از طریق زبان: آموزش علوم مختلف از طریق گونه علمی زبان: زبان ابزار اصلی تدوین متون کتاب‌های درسی و همچنین امر تدریس است.
۳. تربیت فرهنگی - اجتماعی از طریق زبان: تربیت نیروی انسانی متفکر و دارای خلاقیت که باید بتواند از طریق گفتار و نوشتار فعالیت‌های خود را برنامه‌ریزی کند و به تولید و ترویج اندیشه و فرهنگ پردازد.

زبان‌شناسی تربیتی با بررسی مسایل و مشکلات علمی نظام آموزش رسمی در زمینه تربیت زبانی و آموزش زبان ملی، ماحصل پیوند زبان‌شناسی و علوم تربیتی است. از این لحاظ شناخت بهتر حوزه پژوهشی دانشگاهی زبان‌شناسی تربیتی می‌تواند در بهبود و ارتقای کیفی نظام آموزشی هر جامعه‌ای مفید باشد.



روند تحول زبان‌شناسی تربیتی به عنوان یک برنامه درسی میان‌رشته‌ای

در سال ۱۹۷۲ برنارد اسپالسکی^۱، عنوان «زبان‌شناسی تربیتی» را برای رشته‌ای پیشنهاد کرد که وظیفه اصلی آن «عرضه اطلاعات مربوط به تدوین برنامه زبان‌آموزی و اجرای آن» است. وی تأکید کرد که این رشته باید بر اصول و نظریه‌های حاصل از شاخه‌های گوناگون علم زبان‌شناسی استوار شود (هورنبرگر^۲، ۲۰۰۱).

بعد از سال ۱۹۷۲ به تدریج دو برنامه دکتری زبان‌شناسی تربیتی در دانشگاه‌های امریکا راه‌اندازی شد، یکی در دانشگاه نیومکزیکو که ارتباط نزدیکی با مرکز مطالعات ناواجو^۳ داشت و توسط اسپالسکی اداره می‌شد و دیگری مرکز تحصیلات تکمیلی زبان‌شناسی تربیتی در دانشگاه پنسیلوانیا که تحت سرپرستی هایمز و با مدیریت ولفسان^۴ اداره می‌شد.

در اواخر سال ۱۹۹۰ مؤسسه مطالعات بین‌المللی مانتری، نام بخش مطالعات زبانی را به مرکز تحصیلات تکمیلی «زبان و زبان‌شناسی تربیتی» تغییر داد. این مرکز واحدهای پیشرفته

-
1. Spolsky
 2. Hornberger
 3. Navajo
 4. Wolfson

زبان در دوره کارشناسی ارشد را در رشته‌های «آموزش زبان انگلیسی به خارجی‌ها» و «آموزش زبان بیگانه» ارائه می‌دهد.

در سال ۲۰۰۰ دانشگاه استنفورد، تخصص دکتری زبان‌شناسی تربیتی را در گروه علوم اجتماعی و سیاست‌گذاری آموزشی پیشنهاد کرد. سپس پروفیسور ارتیز^۱ شاگرد اسپالسکی اداره بخش زبان، ادبیات و مطالعات فرهنگی - اجتماعی را در دانشگاه نیومکزیکو که برنامه زبان‌شناسی تربیتی را نیز تحت پوشش دارد، بر عهده گرفت. در حال حاضر تخصص دکتری زبان‌شناسی تربیتی در هفت دانشگاه معتبر ایالات متحده و انگلستان دایر است. اسامی این دانشگاه‌ها در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱. اسامی هفت دانشگاه دارای تخصص زبان‌شناسی تربیتی

نام دانشگاه	مقطع تحصیلی
آریزونا	دکتری
استنفورد	دکتری
منچستر	کارشناسی ارشد
نیوکسل	دکتری
نیومکزیکو	دکتری و کارشناسی ارشد
پنسیلوانیا	دکتری
وارویک (مرکز آموزش معلمان زبان انگلیسی)	دکتری



فصلنامه علمی - پژوهشی

۵۸

دوره ششم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۳

رویکرد رشته‌های دانشگاهی ایران به مطالعات زبانی

علاوه بر رشته زبان‌شناسی همگانی که هدفش «مطالعه درباره زبان» است و رشته‌هایی مانند زبان و ادبیات فارسی و دیگر رشته‌های زبان خارجی (مانند زبان انگلیسی، زبان فرانسه، زبان آلمانی و...) که با هدف آموزش یا ادبیات آن زبان خاص تأسیس شده‌اند، بررسی‌های مطالعه حاضر نشان داد که رشته‌های دیگری نیز (مانند علوم تربیتی، علوم اجتماعی و روانشناسی) نیز هستند که واحدهای درسی مرتبط با زبان ارائه می‌دهند. در مقطع کارشناسی نیز برخی از واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی عبارتند از: گرایش‌های آموزش و پرورش کودکان عقب‌مانده ذهنی، آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی، ارتباطات علوم اجتماعی، مردم‌شناسی،

1. Ortiz

روانشناسی بالینی، و کودکان استثنایی. در مقطع کارشناسی ارشد نیز می‌توان به گرایش‌های آموزش و پرورش پیش دبستانی و دبستانی و روانشناسی تربیتی که به مطالعه زبانی توجه دارند، اشاره کرد. در مقطع دکتری نیز تعدادی از واحدهای درسی روانشناسی تربیتی و آموزش کودکان استثنایی مربوط به مطالعات زبانی است؛ به طوری که به ترتیب ۳۸/۹ درصد، ۲۰ درصد و ۵۰ درصد از گرایش‌های مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌های علوم تربیتی، علوم اجتماعی، و روانشناسی با مطالعات زبانی مرتبطند.

جدول ۲. واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی
در مقطع کارشناسی رشته‌های علوم تربیتی، علوم اجتماعی و روانشناسی

گرایش	رشته	واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی
آموزش و پرورش کودکان استثنایی	علوم تربیتی	اختلالات گویایی اختلالات یادگیری ویژه گفتاردرمانی روش تدریس زبان فارسی
پیش دبستانی و دبستانی		زبان آموزشی روانشناسی آموزش خواندن
ارتباطات علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	شیوه نگارش فارسی در مطبوعات ویراستاری و مدیریت اخبار
مردم‌شناسی		زبان‌شناسی از دیدگاه انسان‌شناسی
بالینی	روانشناسی	اختلال یادگیری تفکر و زبان
عمومی		اختلالات یادگیری تفکر و زبان
روانشناسی کودکان استثنایی		اختلالات تکلمی و گفتاردرمانی اختلالات یادگیری تفکر و زبان



جدول ۳. واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی
در مقطع کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی و روانشناسی

گرایش	رشته	واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی
آموزش و پرورش پیش‌دبستانی	علوم تربیتی	روانشناسی رشد و تکامل از تولد تا هفت سالگی و مبانی زبان‌آموزی
آموزش و پرورش دبستانی		روانشناسی رشد و زبان‌آموزی
تربیتی	روانشناسی	اختلالات یادگیری

جدول ۴. واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی در مقطع دکتری رشته روانشناسی

گرایش	رشته	واحدهای درسی مرتبط با مطالعات زبانی
تربیتی	روانشناسی	روانشناسی رشد زبان
آموزش کودکان استثنایی		ناتوانی‌های یادگیری خاص



واحدهای درسی یادشده در رشته‌های گوناگون دانشگاهی نشان می‌دهد که اهمیت زبان و مسایل زبانی در آموزش‌های آکادمیک امری پذیرفته شده است. لیکن اکنون به دلیل فقدان حوزه مطالعات «زبان‌شناسی تربیتی» بررسی‌های علمی نظام‌مندی در خصوص سرفصل‌ها و محتوای این دروس انجام نشده است. از این رو مشاهده می‌شود که برخی سرفصل‌ها و محتوای کتاب‌های درسی مربوط به واحدهای زبانی این رشته‌ها، دارای کاستی‌ها و حتی اشتباهات علمی فاحشی است؛ به طوری که در بسیاری از آنها از مطالبی استفاده شده است که با یافته‌های جدید زبان‌شناسی معاصر سازگار نیست. از این رو به منظور اصلاح برنامه‌های درسی رشته‌های یادشده، ضرورت تأسیس شاخه بین‌رشته‌ای زبان‌شناسی تربیتی، بیش از پیش نمایان می‌شود تا به مدد پژوهش‌های هدفمند، دروس دانشگاهی در حیطه زبان و علوم اجتماعی، زبان و روانشناسی، و زبان و تعلیم و تربیت روزآمد شده و با تحولات رشته مادر هماهنگ شوند.

قلمرو مطالعاتی زبان‌شناسی تربیتی

در حالی که هدف اساسی زبان‌شناسی نظری، به عنوان زبان‌شناسی خرد، «مطالعه علمی زبان» است، زبان‌شناسی تربیتی با توجه به نقش زبان در نظام آموزشی اعم از آموزش مدرسه‌ای و

دانشگاهی، موضوعات گوناگونی را مورد بحث قرار می‌دهد که می‌توان آنها را در سه قلمرو کلی زیر گنجانید:

۱. یادگیری زبان (یادگیری مهارت‌های زبانی)
۲. یادگیری علوم از طریق زبان
۳. نقش فرهنگی و تربیتی زبان

۱. یادگیری زبان

مقصد اولیه تمام برنامه‌های درسی پایه در دوره پیش‌دبستانی، دبستان، سوادآموزی بزرگسالان و آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان، این است که مهارت‌های زبانی اعم از مهارت‌های شفاهی (صحبت کردن و گوش دادن) و مهارت‌های مکتوب (خواندن و نوشتن) را به افراد ذیربط بیاموزند. برای تحقق هدف فوق، زبان‌شناسی تربیتی به عنوان یک حوزه پژوهشی مؤثر و ارتباط‌دهنده میان دو حوزه زبان‌شناسی و علوم تربیتی به منظور ارتقای یادگیری و بهبود کیفیت برنامه‌های آموزش زبان می‌تواند به حل مشکلات و نارسایی‌های ناشی از روش، محتوا، موادآموزشی و... یاری رساند. مهم‌ترین این خدمات عبارتند از:

برنامه‌ریزی زبان^۱ و آموزش زبان^۲: زبان ابزاری است که از طریق آن موضوعات درسی تدریس می‌شود و خود به عنوان موضوع مورد مطالعه در جایگاه درس قرار می‌گیرد. در بحث آموزش زبان، مباحث تدریس زبان مادری، زبان دوم و زبان خارجی مطرح است (اسپالسکی، ۱۹۹۹). با توجه به طیف وسیع تدریس زبان و پیچیدگی زبان‌شناختی در برخی جوامع، سیاست‌گذاری‌ها باید در ارتباط با نقش و موقعیت زبان‌های مختلف در نظام آموزشی صورت گیرد و تصمیماتی نیز در خصوص فراهم آوردن امکانات لازم و کافی اتخاذ شود. در واقع زبان‌شناسی تربیتی می‌تواند پل ارتباطی بین امر برنامه‌ریزی زبان و آموزش زبان باشد.

واژه‌آموزی: زبان‌شناسی تربیتی قادر است با فراهم آوردن پیکره مدونی از واژگان پایه، امر واژه‌آموزی و همچنین تدوین محتوای درجه‌بندی شده را جنبه علمی بخشد و از طرف دیگر واژگان عمومی جدید پیشنهادی فرهنگستان را در منابع آموزشی وارد کند.

1. Language planning
2. Language teaching





دستور آموزشی^۱: زبان‌شناسی تربیتی می‌تواند در تدوین دستور آموزشی، که به قواعد دستوری مربوط است، نقشی مؤثر ایفا کند. این قواعد، تدریس و یادگیری یک زبان معین را در مراحل مختلف یادگیری آسان می‌سازد. در این راه زبان‌شناسی تربیتی به مثابه تسهیل‌کننده ارائه دانش زبان‌شناسی نظری در نظام آموزشی عمل می‌کند. در حال حاضر بسیاری از معلمان نسبت به استفاده از یافته‌های زبان‌شناسی نوین در کلاس درس مقاومت می‌کنند و دستور سنتی را ترجیح می‌دهند. این امر از آنجا ناشی می‌شود که دانش زبان‌شناسی از یک طرف تا حد زیادی ثقیل و دارای اصطلاحات فنی بی‌شمار است و از طرف دیگر برای ورود به نظام آموزشی از فیلتر زبان‌شناسی تربیتی گذر نکرده است. زیرا تنها در صورت استفاده از زبان‌شناسی تربیتی است که مواد خام علمی زبان‌شناسی می‌تواند آماده مصرف آموزشی شود.

مطالعه مقایسه‌ای^۲: زبان‌شناسی تربیتی از این طریق به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان مادری یادگیرنده و زبان مقصد می‌پردازد و هدف آن شناسایی مشکلاتی است که یادگیرنده در فرایند یادگیری زبان رسمی با آنها مواجه می‌شود. از آنجا که کشور ما دارای تنوعات زبانی و گویشی زیادی است، بررسی مقایسه‌ای زبان‌های محلی و زبان معیار آموزش مهارت‌های زبانی را تسهیل می‌کند و راه را برای توسعه عدالت آموزشی هموار می‌سازد. از جمله به معلمان کمک می‌کند تا با شناخت بهتر زبان محلی و ملی دیدگاه روشن‌تری نسبت به خطاهای زبانی یادگیرنده کسب کند و راه‌حل‌های علمی برای رفع آنها پیش‌بینی کند.

۲. یادگیری علوم از طریق زبان

پس از کسب مهارت‌های پایه زبان، که گاهی به آن «سواد پایه^۳» هم می‌گویند، این فرصت فراهم می‌شود که از طریق زبان، علوم و جنبه‌های گوناگون آن به افراد آموزش داده شود. بدیهی است یادگیری علوم مختلف مانند ریاضیات، جغرافیا، فیزیک، شیمی، و زیست‌شناسی در مدرسه، و یادگیری رشته‌های علمی در سطوح دانشگاهی، رابطه تنگاتنگی با زبان دارد و به بیانی دیگر بحث درباره آن نیاز به گفتگو، نوشتن و خواندن دارد. رابطه معلم و دانش‌آموز، و استاد و دانشجو اساساً یک ارتباط مبتنی بر زبان است و تعاملات کلامی و نوشتاری آنها حاصل کاربرد مهارت‌های چهارگانه زبانی است. از سوی دیگر مهم‌ترین منبع آموزشی، یعنی کتاب‌های درسی (چه کتاب سنتی و چه منابع الکترونیکی جدید) که حامل بیشترین محتوای

1. Pedagogical Grammar
2. Contrastive Analysis
3. Basic Literacy

درسی هستند، بر اساس مواد زبانی تدوین می‌شوند. ارزشیابی آموخته‌های یادگیرندگان هم چه به صورت امتحان شفاهی یا کتبی حاصل کاربرد زبان است.

از این رو برای بهبود کیفیت آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها توجه به مطالعات زبان‌شناختی مانند مکالمه‌کاوی، زبان‌شناسی متن، زبان علم و... اجتناب‌ناپذیر است. زبان‌شناسی تربیتی به عنوان علم بین‌رشته‌ای قادر است نتیجه مطالعاتی از این دست را برای مطالعه دقیق‌تر تعامل زبانی معلم و شاگرد، و استاد و دانشجو، و همچنین استانداردهای تدوین متون درسی و آموزشی مناسب به کار گیرد و ملزومات گسترش و توسعه گونه علمی زبان فارسی را، به عنوان یکی از پیش‌نیازهای رشد علمی کشور، فراهم آورد. علاوه بر نقش بی‌بدیل زبان در آموزش علوم، دانشجویان نیز برای یادگیری و مطالعه به مهارت‌های متنوع خواندن و درک مطلب متون تخصصی علوم گوناگون نیاز دارند. بسیار مشاهده شده است که افرادی از هوش ریاضی بسیار خوبی برخوردارند ولی به دلیل عدم درک مفاهیم اصلی که بر پایه زبان استوار است، دچار شکست تحصیلی می‌شوند. این امر در مورد یادگیری دیگر علوم نیز صادق است.



۳. نقش فرهنگی و تربیتی زبان

از سوی دیگر مدرسه و دانشگاه محل فرهنگ‌پذیری و تربیت افراد توانا و مجهز به تفکر انتقادی و دیدگاه فرهنگی مناسب است. آثار هلیدی^۴ در واقع از مهم‌ترین و معتبرترین آثار موجود در زمینه نقش زبان در تعلیم و تربیت است. در سال ۱۹۶۹، هلیدی مقاله مشهور خود به نام *الگوهای معتبر زبان*^۵ را منتشر کرد و به منظور راهنمایی مربیان در فعالیت‌هایشان تعریفی مناسب از زبان به دست داد. این موضوع مضمون ثابت نوشته‌های اوست. به بیان دیگر، هلیدی به بحث در باب امکان «ارائه شرح مختصری از ماهیت اصلی زبان، به گونه‌ای که در امر آموزش واقعاً مناسب باشد» می‌پردازد.

به نظر هلیدی (۱۹۷۸: ۱۲) ضعف بنیادی مدارس در این است که رابطه زبان و جامعه را نمی‌شناسند و تشخیص نمی‌دهند که کل نظریه و کارکرد تعلیم و تربیت به ارتباط بین زبان و مردم، به عنوان موجودی اجتماعی، وابسته است. یکی از علایق اصلی هلیدی در علوم تربیتی، بسط استعداد کارآمد زبانی افراد است. او توانایی کنترل و اداره گونه‌های متفاوت زبان را یکی از اجزای اصلی امر تعلیم و تربیت می‌داند. تدریس زبان معیار به معنای تدریس یک گونه

4. Halliday

5. Relevant Models of Language



کارآمد جدید است که دانش آموز و دانشجو می‌توانند با آن کارهای جدیدی انجام دهند. درک صحیح دانش‌آموزان و دانشجویان از گفتمان‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی راه را برای تربیت نسلی پویا و سازنده هموار می‌کند.

اوجلی و اسنو (۲۰۰۸) خطوط اصلی تحقیقات و مطالعات حوزه زبان‌شناسی تربیتی را چنین معرفی کرده‌اند: استفاده از زبان در کلاس، گسترش مهارت خواندن و نوشتن، زبان‌آموزی، برنامه‌ریزی کاربرد زبان در محیط آموزش، ارزیابی دانش زبانی.

بی‌شک مطالعات حوزه میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی تربیتی اولویت‌های جداگانه‌ای در کشورهای مختلف جهان دارد. هر کشور مشکلات خودش را دارد، و پژوهشگران آموزشی متناسب با وضعیت بومی کشور خود باید توجه خود را به مسائل خاصی متمرکز کنند و ویژگی‌ها و شرایط محیط خود را مدنظر قرار دهند. برای مثال در ایران مسائلی همچون دوزبانگی، مشکلات خط فارسی، استانداردسازی گونه علمی زبان در رشته‌های گوناگون علمی، بیسوادی بیش از هفت میلیون نفر بزرگسال و... وجود دارد، که میزان آن در جوامع دیگر متفاوت است.

در هر صورت شاخه میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی تربیتی می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های اساسی زیر باشد:

۱. چه چیزی باید درباره زبان به دانش‌آموزان و دانشجویان بیاموزیم تا آنها را برای موفقیت در مدرسه و دانشگاه، و سپس در حرفه خود و برای روبرو شدن با سطوح بالاتر اندیشه در بزرگسالی آماده سازیم؟
 ۲. معلمان و استادان چه چیزهایی را درباره زبان باید بدانند تا با توجه به طیف گسترده دانش‌آموزان و دانشجویان، به بازده آموزشی مورد نظر دست یابند؟
 ۳. بعد از مشخص کردن آنچه باید به دانش‌آموزان و دانشجویان تدریس شود، و نیز دانش و مهارت زبانی لازم برای آموزگاران و استادان، چگونه باید این نیازهای آموزشی را در عمل برآورده سازیم؟
 ۴. زبان چگونه می‌تواند در تحکیم هویت ملی نوجوانان و جوانان مدرسه‌ای و دانشگاهی نقش ایفا کند و به آنها در کسب مهارت‌های برنامه‌ریزی زندگی روزمره یاری رساند؟
- در قلمرو نخست این شاخه میان‌رشته‌ای، یعنی «یادگیری زبان»، با توجه به چندزبانه بودن مردم ایران هفت محور شامل موارد زیر از اهمیت خاصی برخوردار است:
۱. دوزبانگی؛^۱ ۲. اصول یادگیری زبان اول و دوم؛^۳ ۳. دوزبان‌گونگی؛^۲ ۴. بررسی مقایسه‌ای

1. Bilingualism
2. Diglossia

زبان فارسی و زبان‌های محلی؛ ۵. برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی؛ ۶. مطالعات علمی واژه‌آموزی؛ ۷. تدوین دستور آموزشی.

در قلمرو دوم این شاخه میان‌رشته‌ای، یعنی «یادگیری علوم از طریق زبان»، شش محور حائز اهمیت به شرح زیر است:

۱. زبان و تفکر؛ ۲. زبان و استدلال؛ ۳. زبان و ادراک؛ ۴. کاربرد گونه علمی زبان در گفتگوها؛ ۵. کاربرد گونه علمی زبان در نگارش متون علمی؛ ۶. کاربرد اصول زبان‌شناسی متن در تدوین کتاب‌های درسی.

و در قلمرو سوم این شاخه میان‌رشته‌ای، یعنی «نقش فرهنگی و تربیتی زبان»، شش محور زیر باید مورد توجه قرار گیرند:

۱. نقش زبان در تحکیم هویت ملی، ۲. نقش جنسیتی زبان؛ ۳. سبک‌های ارتباطی (زبان رسمی، مؤدبانه، دوستانه)؛ ۴. زبان و خلاقیت؛ ۵. نقش زبان در برنامه‌ریزی فعالیت‌های روزمره (خودتنظیمی، خودمدیریتی^۲ و خودارزیابی^۳)؛ ۶. نقش زبان در توسعه اجتماعی و فرهنگی فرد و جامعه. خلاصه موارد یادشده در این بخش در جدول شماره ۵ درج شده است.

جدول ۵. قلمروها و محورهای اولویت‌دار پژوهش‌های بین‌رشته‌ای زبان‌شناسی تربیتی

یادگیری زبان	یادگیری از طریق زبان نقش زبان در یادگیری علم	یادگیری از طریق زبان نقش فرهنگی و تربیتی زبان
دوزبانگی	زبان و ادراک	نقش زبان در تحکیم هویت ملی
اصول و روش‌های یادگیری زبان اول و دوم	زبان و تفکر	نقش جنسیتی زبان
دوزبان‌گونه‌گی	زبان و استدلال	سبک‌های ارتباطی (زبان رسمی، مؤدبانه، دوستانه)
بررسی مقایسه‌ای زبان فارسی و زبان‌های محلی	کاربرد گونه علمی زبان در گفتگوها	زبان و خلاقیت
برنامه‌ریزی درسی آموزش زبان فارسی	کاربرد گونه علمی زبان در نگارش متون علمی	نقش زبان در برنامه‌ریزی فعالیت‌های روزمره (خودتنظیمی، خودمدیریتی و خودارزیابی)
مطالعات علمی واژه‌آموزی و تدوین دستور آموزشی	کاربرد اصول زبان‌شناسی متن در تدوین کتاب‌های درسی	نقش زبان در توسعه اجتماعی و فرهنگی فرد و جامعه

1. Self-regulation
2. Self-managing
3. Self-assessment



جمع‌بندی

از آنجا که زبان به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، حل مسئله و استدلال، و همچنین سازگاری اجتماعی و هم‌نوایی گروهی نیز به کار می‌رود، و پرورش این مهارت‌های شناختی و اجتماعی در رشد و توسعه نیروی انسانی هر جامعه بسیار مؤثر است، نظام تعلیم و تربیت باید به افراد کمک کند تا به مطلوب‌ترین شکل از زبان رسمی برای بیان شفاهی و مکتوب اندیشه خود استفاده کنند. دانش آموختگان باید علاوه بر دستیابی به مهارت‌های زبانی لازم، بتوانند دنیای زبانی پیرامون خود را سنجیده‌تر و نقادانه‌تر تجربه کنند و از طریق آن نقش مؤثری در توسعه علمی و فرهنگی خود و جامعه داشته باشند.

توجه به حوزه میان‌رشته‌ای زبان‌شناسی تربیتی برای شناخت مسایل و مشکلات عملی نظام آموزش رسمی در زمینه آموزش زبان و تربیت زبانی راهگشا خواهد بود. ضرورت توجه به این حوزه مطالعاتی از آنجا ناشی می‌شود که نمی‌توان حاصل مطالعات نظری رشته‌های پایه وابسته به آن، یعنی زبان‌شناسی نظری و تعلیم و تربیت، را برای حل مسائل واقعی زبانی در محیط‌های آموزشی مورد استفاده قرار داد. در واقع زبان‌شناسی تربیتی موقعیتی فراهم می‌کند تا یافته‌های زبان‌شناسی نظری برای کاربرد در رشته‌های عملیاتی مانند آموزش زبان فارسی آماده شوند.

برای روشن شدن این بحث می‌توان از حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای شناخته شده‌ای مانند روان‌شناسی تربیتی^۱ یاد کرد. پرواضح است که برای حل مسائل روان‌شناختی در نظام‌های آموزشی نمی‌توان مستقیماً از یافته‌های روان‌شناسی عمومی استفاده کرد و باید این یافته‌ها را در حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای روان‌شناسی تربیتی آماده کرد و سپس به حل مسائل روان‌شناختی مدارس و دانشگاه‌ها پرداخت. اما برای برپایی، حفظ و توسعه مطالعات زبان‌شناسی تربیتی به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت کنونی آرایش سازمانی دستگاه‌های علمی در ایران و تخصیص بودجه‌های پژوهشی و روند رو به رشد توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی، بهترین اقدام تأسیس دوره دکتری زبان‌شناسی تربیتی است. این همان اقدامی است که در دانشگاه‌های بزرگ ایالات متحده انجام شده است و نیوول^۲ (۱۹۹۰-۱۹۹۴) و هرش^۳ و همکاران (۱۹۸۳) نیز بر آن صحنه گذاشته‌اند: مهم‌ترین راهکار برای بسط مطالعات بین‌رشته‌ای طراحی دوره‌های آموزشی بین‌رشته‌ای است. در این صورت زمینه لازم برای مطالعات و پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در بستری مناسب به وجود می‌آید. از طرف دیگر فارغ‌التحصیلان این دوره‌ها



1. Educational Psychology
2. Newell
3. Hursh

به عنوان افراد متخصص در زمینه بین‌رشته‌ای قادر به هماهنگی این‌گونه مطالعات در میان متخصصان تک‌رشته‌ای خواهند بود. همچنین این دوره‌ها با به وجود آوردن درک بهتری از مسائل، حل آنها را ممکن می‌سازند (افتخاری ۱۳۸۳: ۶۷). شایان ذکر است دانشجویان ورودی به این رشته می‌بایست از رشته زبان‌شناسی و آموزش زبان فارسی باشند و طبعاً دوره یادشده در دیپارتمان‌های زبان‌شناسی اجرا خواهد شد.

همچنین این پیشنهاد همسو با نظر نوروززاده و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۷: ۲۹) است که یکی از نقش‌های اصلی دانشگاه را توجه به زمینه‌های میان‌رشته‌ای دانسته‌اند و معتقدند: به کارگیری دانش در جامعه، به خصوص در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، نیاز به تلفیق موضوعات در زمینه‌های مختلف علمی دارد و این تلفیق باید در سطح دانشگاه‌ها و از طریق تأسیس رشته‌ها و دانشکده‌های مأموریت‌گرا انجام گیرد.

در پایان می‌توان چنین گفت که عوامل مؤثر در ایفای نقش‌های تربیتی و فرهنگی زبان یکی از اولویت‌های مطالعاتی این شاخه بین‌رشته‌ای است و پس از آن مسائل مربوط به یادگیری زبان و مهارت‌های زبانی و یادگیری علوم از طریق زبان و کاربرد زبان علم برای تولید و ترویج علم از دیگر اولویت‌های مهم برنامه پژوهشی زبان‌شناسی تربیتی شناخته شده‌اند.



منابع

- آراسته، ح. (۱۳۸۸). *میان رشته‌های‌ها در آموزش عالی*. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، شماره دوم، صص ۴۰ - ۲۵.
- استابز، م. (۱۳۸۲). *زبان‌شناسی تربیتی*. ترجمه سهیلا کاوسی نژاد و زهرا زندی مقدم، تهران: انتشارات مدرسه.
- افتخاری، ع. (۱۳۸۸). *علوم بین‌رشته‌ای در آموزش عالی*. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، شماره دوم، صص ۸۳ - ۶۵.
- حاجی یوسفی، الف. م. (۱۳۸۸). *میان‌رشتگی در علوم سیاسی در دانشگاه‌های کانادا*. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال اول، شماره دوم، صص ۶۴ - ۴۱.
- منوچهری، ع. و علوی‌پور، م. (۱۳۹۲). *چارچوب نظری در مطالعه میان‌رشته‌ای*. فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، سال پنجم، شماره سوم، صص ۷۵ - ۵۳.
- نوروززاده، ر. و فتیحی واجارگاه، ک. (۱۳۸۷). *درآمدی بر برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی*. تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

Bakhtin, M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays by M.M. Bakhtin*. Austin: University of Texas Press.

Bakhtin, M. (1984). *Problems of Dostoevsky's Poetics*. trans. C. Emerson. Minneapolis: University of Minnesota Press.

Berns, M. (2010). *Concise Encyclopedia of Applied Linguistics*. Oxford: Elsevier LTD

Bourdieu, P. (1979). *La Distinction. Critique sociale du jugement*. Paris : Les Éditions de Minuit.

Bourdieu, P. (1982). *Ce que parler veut dire: l'économie des échanges linguistiques*. Paris: Fayard.

Freeman, D. (1994). *Educational Linguistics and the Knowledge Base of Language Teaching*: In James E. Alatis (ed.), *Georgetown University Round Table on Languages and Linguistics 1994* (pp. 180-198). Washington, D.C.: Georgetown University Press.

Halliday, M. (1969). *Relevant models of language*. *Educational Review*, 22:26-37

Halliday, M. (1969). *Language as Social Semiotic*. London: Edward Arnold

Hornberger, N. H. (2001). *Educational Linguistics as a field*; in *new Perspectives and Issues in Educational Language Policy*, Edited by Robert L. Cooper. Elana Shohamy and Joel Walters Ivan University

Lo Bianco, J. (2008). *Educational Linguistics and Education Systems*. blackwell

Loyns, J. (1981). *Language and Linguistics*. Cambridge University Press

Norton, B. & Toohey, K. (2004). *Critical Pedagogies and Language Learning*. Cambridge University Press

Spolsky, B. (1999). *The Languages : Policy, Ideology and Practice*. Cromwell Press LTD



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۸

دوره ششم
شماره ۴
پاییز ۱۳۹۳

Van Lier, L. (2008). *Educational-semiotic Perspectives on Educational Linguistics*.
Blackwell

Weedon, C. (1997). *Feminist practice and poststructuralist theory* (2nd Edition).
Oxford: Blackwell.

Uccelli, P. & Snow, .C (2008). *A Research Agenda for Educational Linguistics*.
Blackwell



فصلنامه علمی-پژوهشی

۶۹

زبان شناسی تربیتی
به مثابه حوزه...

Educational Linguistics as an Interdisciplinary Research Domain

Bahman Zandi¹

Abstract

The broadest language realm is the realm in which language is connected with the domains outside itself. In this scale, language has an impact on some of the environmental factors and receives influence from some of them. One of the most important of these areas is the domain of education. In this article, using a descriptive-analytical research method, while introducing a new field which is prevailing in large universities in the world, the usefulness of running it in line with development of language studies with regard to Iranian linguistics issues in particular in education is dealt with. The result of the study shows that the educational linguistics as a bridge between lingual world and educational system tries to organize the educational activities with regard to lingual issues in a more ideal way. The studies of educational linguistics are focused on the role of language in learning and education. While emphasizing on the integration of linguistics and education, and using the methods and theories of linguistics, this scientific field considers the practical issues and problems of formal educational systems in the area of language learning and learning through language. It is also necessary to pay attention to three realms of language learning, learning sciences through language and the cultural and educational role of language in designing curriculum of educational linguistics in Iran. The solution to expand this study field in Iran is to establish the mission-oriented post graduate courses which could provide necessary grounds to solve the common issues between language and education.

Keywords: Interdisciplinary Studies, Educational Linguistics, Linguistics, Educational Sciences, Learning.



*Interdisciplinary
Studies in the Humanities*

11

Abstract

1. Associated Professor Of Linguistics, Payame Noor University. zandi@pnu.ac.ir

Bibliography

- Bakhtin, M. (1981). *The Dialogic Imagination: Four Essays by M.M. Bakhtin*. Austin: University of Texas Press.
- Bakhtin, M. (1984). *Problems of Dostoevsky's Poetics*. trans. C. Emerson. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Berns, M. (2010). *Concise Encyclopedia of Applied Linguistics*. Oxford: Elsevier LTD
- Bourdieu, P. (1979). *La Distinction. Critique sociale du jugement*. Paris: Les Éditions de Minuit.
- Bourdieu, P. (1982). *Ce que parler veut dire: l'économie des échanges linguistiques*. Paris: Fayard.
- Freeman, D. (1994). Educational Linguistics and the Knowledge Base of Language Teaching: In James E. Alatis (ed.), *Georgetown University Round Table on Languages and Linguistics 1994* (pp. 180-198). Washington, D.C.: Georgetown University Press.
- Halliday, M. (1969). *Language as Social Semiotic*. London: Edward Arnold
- Halliday, M. (1969). Relevant models of language. *Educational Review*, 22:26-37
- Hornberger, N. H. (2001). Educational Linguistics as a field; in *new Perspectives and Issues in Educational Language Policy*, Edited by Robert L. Cooper. Elana Shohamy and Joel Walters Ivan University
- Lo Bianco, J. (2008). *Educational Linguistics and Education Systems*. blackwell
- Loyns, J. (1981). *Language and Linguistics*. Cambridge University Press
- Norton, B. & Toohey, K. (2004). *Critical Pedagogies and Language Learning*. Cambridge University Press
- Spolsky, B. (1999). *The Languages: Policy, Ideology and Practice*. Cromwell Press LTD
- Uccelli, P. & Snow, C. (2008). *A Research Agenda for Educational Linguistics*. Blackwell
- Van Lier, L. (2008). *Educational-semiotic Perspectives on Educational Linguistics*. Blackwell
- Weedon, C. (1997). *Feminist practice and poststructuralist theory* (2nd Edition). Oxford: Blackwell.
- Ārāsta, H. (1388 [2010 A.D]). *Mīyān-rishta'ī-hā dar Āmūzish-i Ālī*. Mutālī'āt-i Mīyān-rishta'ī dar Ulūm-i Insānī, Vol. 1, No. 2, pp. 25-40.
- Hājī Yūsifī, A. M. (1388 [2010 A.D]). *Mīyān-rishta'ī dar Ulūm-i Sīyāsī dar Dānish-gāh-hāy-i Kānādā*. Mutālī'āt-i Mīyān-rishta'ī dar Ulūm-i Insānī, Vol. 1, No. 2, pp. 41-64.
- Iftikhārī, A. (1388 [2010 A.D]). *Ulūm-i Bayn-i Rishta'ī dar Āmūzish-i Ālī*. Mutālī'āt-i Mīyān-rishta'ī dar Ulūm-i Insānī, Vol. 1, No. 2, pp. 65-83.
- Manūchihīrī, A. & Alavī-pūr, M. (1392 [2014 A.D]). *Chārchūb-i Nazarī dar Mutālī'a-i Mīyān-rishta'ī*. Mutālī'āt-i Mīyān-rishta'ī dar Ulūm-i Insānī, Vol. 5, No. 3, pp. 75-53.
- Norūz-zāda, R. & Fathī Vājārgāh, K. (1387 [2009 A.D]). *Darāmadī bar Barnāma-rīzī-i Darsī-i Dānish-gāhī*. Tehrān: Mu'assisa-i Pazhūhish va Barnāma-rīzī-i Āmūzish-i Ālī.
- Stubbs, M. (1382 [2004 A.D]). *Zabān-shināsī-i Tarbiyati*. Translated by S. Kāvūsī-nizhād & Z. Zandī Muqaddam, Tehrān: Madrasa.

